



حسین الهی نژاد

پیشگفتار

عزت، کرامت، شرافت و متانت، گل وازه‌هایی هستند که به انسان روحیه صلابت، مقاومت و شکست ناپذیری می‌بخشند و انسان را در مسیر اعتلا و تعالی روح مدد می‌رسانند و او را از حسیض پستی و زبونی به اوج شوکت و سربلندی رهنمون می‌سازند. در پرتو همین مفاهیم عالی، انسان به گونه‌ای تربیت می‌شود که در برابر حوادث و رخدادهای روزگار، تن به ذلت و خواری نمی‌دهد.

انسان عزت خواه و کرامت طلب، باید عزت و سربلندی را از پایگاه

اصلی‌اش؛ یعنی خداوند جستجو کند؛

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

جَمِيعًا»^۱

«هر کس عزت می‌خواهد، همه

عزت از آن خداست.»

خداوند چنین عزت و کرامتی را

به دوستدارانش می‌بخشد و آنان را

ارجمند و سترگ می‌سازد.

خدای عزیز می‌فرماید:

«وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۲ «و

عزت از آن خدا، پیامبر او و مؤمنان

۱. فاطر/۱۰.

۲. منافقون/۸.

است.»

امام حسین علیه السلام در همین راستا در دعای عرفه می‌گویند:

«يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ؛^۱ ای آنکه ذات خود را به علو مقام و رفعت مخصوص گردانید، پس دوستدارانش به عزت او عزیز می‌شوند.»

اگر عزت و رفعت از ناحیه غیر خدا طلب شود، عزت صرفاً ظاهری و دروغین خواهد بود و طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام، انسان را به سوی هلاکت سوق می‌دهد:

«مَنْ اخْتَزَرَ بِغَيْرِ اللَّهِ أَهْلَكَهُ الْعِزُّ؛^۲

هر که عزت را از غیر خدا طلب کند، آن عزت او را هلاک گرداند.»

استاد شهید، مرتضی مطهری رحمته الله در این باره می‌فرماید:

«در گفتارهای اقبال لاهوری خواندم که موسولینی گفته است: انسان باید آهن داشته باشد تا نان داشته باشد؛ یعنی اگر می‌خواهی نان داشته باشی، زور داشته باش. ولی اقبال می‌گوید:

این حرف درست نیست. اگر می‌خواهی نان داشته باشی، آهن باش،

نمی‌گویند آهن داشته باش؛ بلکه آهن باش؛ یعنی شخصیت تو شخصیتی محکم به صلابت آهن باشد. می‌گویند شخصیت داشته باش. چرا به زور متوسل می‌شوی؟ چرا به اسلحه متوسل می‌شوی؟ بگو اگر می‌خواهی هر چه داشته باشی، خودت آهن باش، خودت فولاد باش، خودت شخصیت داشته باش، خودت با صلابت باش، خودت منش داشته باش.»^۳

پس از شناخت عزت و خاستگاه واقعی آن، و بعد از بیان اینکه عزت و کرامت اولیای الهی از ناحیه خدا تأمین می‌شود و شاخصه و جاودانگی آن به خاطر انتساب به خداست، به بیان دو برهه مهم از زمان که عزت و شرافت انسان به اوج و بالندگی خویش رسیده و خواهد رسید، می‌پردازیم.

الف) عزت و اقتدار حسینی

ب) عزت و اقتدار مهدوی

عزت و اقتدار حسینی

مکتب حسینی، مکتب عزت

۱. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

۲. غررالحکم، ص ۸۲۱۷.

۳. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۶۵.

آفرین و کرامت ساز است. امام حسین علیه السلام سنبل عزت و افتخار برای همه عزت دوستان و کرامت خواهان جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان است. بی تردید، شخصیت و هویت هر فردی در کوران زندگی و در فراز و نشیب روزگار هویدا می شود و صلابت و استواری انسان در برابر بحرانها و حوادث گوناگون، حاکی از شرافت و عزت درون و باطن او است. در تاریخ حسینی، کربلا که رخدادی بس عظیم و شگفت‌انگیز است، هویت جوانمردی و کرامت امام حسین علیه السلام و یاران با وفای ایشان را به تصویر کشیده است. از همین روست که در گذران زمان خصال نیک و پسندیده حسینی بیشتر جلوه کرده است و چشمان تیزبین تاریخ، همواره عزت و صلابت آموزگار بزرگ کربلا را ثبت و ضبط کرده است.

امام حسین علیه السلام در نخستین خطبه

روشنگر خود فرمود:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَفْعَلُ بِهِ، وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ؟ لِيَتَرَعَّبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا. فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً،

وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَرَمًا؛^۱

آیا نمی بینید که به حق عمل نشده، از باطل دوری نمی شود؟ در این صورت، شایسته است که مؤمن [با عزت] خواهان لقای پروردگارش گردد. من مرگ را جز خوشبختی نمی دانم و زندگی با ستمکاران را جز بدبختی نمی بینم.»

در فرازی از خطبه دیگر، خطاب به همه انسانها و وجدانهای بیدار و به تمامی عزت خواهان و کرامت طلبان جهان می فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَمَهْنِهَاتٍ مِمَّا الذَّلَّةُ يَأْبَسِي اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولَهُ، وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحُجُور طَابَتْ وَطَهَّرَتْ، وَأَنْوَفَ حَمِيَّةً، وَنُفُوسَ آيَّةٍ مِنْ أَنْ نُؤْتِرَ طَاعَةَ الْإِلْتِمَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛^۲

آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد)، فرزند فرومایه، مرا میان دو

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۴؛ تحف العقول، ص ۱۷۴؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۵ و كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲.

۲. اثبات الوصیه، ص ۱۴۲؛ تحف العقول، ص ۱۷۱ و شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۴۹.

راهی شمشیر و خواری قرار داده است و هیئات که ما تن به خواری دهیم؛ زیرا خداوند و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما تن به خواری دهیم ابا دارند، و دامنهای پاکیزه و جانهای باغیرت و نفوس با شرافت روا نمی‌دارند که ما فرمانبرداری از فرومایگان را بر قتلگاه رادمردان مقدم بداریم.»

در روز عاشورا هنگامی که امام حسین علیه السلام را به پذیرش بیعت با یزید و گردن نهادن به حکومت آن پلید دعوت نمودند و اظهار کردند که در این صورت امان خواهد یافت،^۱ آن حضرت به دعوتشان این گونه پاسخ داد:

«لَا، وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ،
وَلَا أَقْبُرُ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ؛^۲

نه، به خدا سوگند که نه مانند ذیلان تسلیم می‌شوم، و نه مانند بردگان گردن می‌نهم.»

عزت و کرامت در مکتب حسینی از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که مخالفان و دشمنان خویش را نیز در جهت سرشت و طینت اصیل انسانی، دعوت به آزاده خواهی و

عزت طلبی می‌کند:

«وَيُحَكِّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، إِنَّ كَسْمَ
يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا
أَخْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ؛^۳

وای بر شما ای پیروان خاندان ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز بازپسین نمی‌هراسید، پس در زندگی این جهانی خود آزاده باشید.»

هنگامه عاشورا حسین علیه السلام با سرودن شعار عزت آفرین در مبارزه با ظلم و ستم یزیدیان، به جهانیان ثابت کرد که، حسین علیه السلام به مسلخ و قربانگاه می‌رود، ولی هرگز عزت و کرامت خویش را از دست نمی‌دهد.

أَلَمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ

وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ

وَاللَّهِ مَا هَذَا وَهَذَا جَارِي^۴

«مرگ، بهتر از زندگی ننگین است

۱. ر.ک: انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۹۶؛ تاریخ

الطبری، ج ۵، ص ۴۲۵ و الارشاد، ص ۲۱۸.

۲. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۲۵؛ الکامل فی
التاریخ، ج ۴، ص ۶۲.

۳. مقاتل الطالبيين، ص ۱۱۸، مقتل الخوارج،
ج ۲، ص ۳۳.

۴. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام
(موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام)، ص ۵۶۱.

نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ،
وَنَجْعَلُهُمْ أُيُومَةً، وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛^۲

«ما اراده کردیم بر اینکه به
مستضعفان زمین منت نهاده، و آنها را
پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار
دهیم.»

همچنین می فرماید:

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛^۳

«خداوند به کسانی که از شما ایمان
آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند،
وعده می دهد که به طور قطع آنها را خلیفه
روی زمین خواهد کرد، همان گونه که
پیشینیان را روی زمین خلافت بخشید.»

در کتاب «روح المعانی» امام
سجاد علیه السلام در تفسیر آیه مذکور چنین
فرموده است:

«هُمْ وَاللَّهُ شَيْعَتُنَا أَهْلِ السَّبِيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ
ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا، وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ
الْأُمَّةِ؛^۴ به خدا سوگند آنها شیعیان ما

و زندگی ننگین، بهتر از ورود به آتش
است. به خدا سوگند که ننگ و آتش
پناه من نخواهند بود.»

عزت و اقتدار مهدوی

در دعای ندبه می خوانیم: «أَيُّنَّ مُعَزُّ
الْأَوْلِيَاءِ وَمُذَلُّ الْأَعْدَاءِ؛^۱ کجاست عزت
بخش دوستان و ذلیل کننده دشمنان.»
قیام و تشکیل دولت عدل به
وسیله حضرت مهدی علیه السلام در سراسر
گیتی و عزیز شدن مستضعفان جهان،
امری اجتناب ناپذیر است.

در جامعه و نظامی که امام
مهدی علیه السلام بنیانگذار و حاکم آن است،
زمام همه امور در دست طبقات
محروم و ستم دیده است و این
مستضعفان اند که با عزت و کرامت، بر
امور جامعه حاکم شده و به اداره آن
می پردازند.

به منظور ترسیم و تبیین عزت و
عوامل عزت آفرین و ساز و کار
عزتمندی در حکومت جهانی
حضرت مهدی علیه السلام، در ذیل به بیان
مطالبی چند می پردازیم.

حاکمیت و عزت مستضعفان

قرآن مجید می فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. قصص/۶۱.

۳. نور/۵۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۱.

عزت قرآن و اسلام

قرآن، کتاب نجات بخش انسانها، در دوران قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به انزوا و مهجوریت در می آید و تعالیم روح بخش آن که در قالب دین و شریعت اسلامی عرضه شده، در حاشیه زندگی مردم قرار می گیرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَرَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خَلِقَ، وَأُخِذَتْ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ... وَرَأَيْتَ الَّذِيْنَ بِالرَّأْيِ وَعَطَّلَ الْكِتَابَ وَأَخْكَأَهُ»^۲

[در دوران پیش از ظهور] قرآن را می بینی که متروک و کهنه شده است و چیزهایی را به آن بسته اند که از قرآن نیست... و دین را می نگری که با آرای شخصی تفسیر شده و کتاب خدا و قوانین آن تعطیل گردیده است.

اماد در زمان حکومت امام زمان علیه السلام، اسلام و قرآن از حاشیه زندگی مردم به جایگاه اصلی خویش؛ یعنی متن جامعه برگردانده می شود تا با حفظ شأن و جایگاه آنها، مردم و جامعه، عزتمند و سعادتمند گردند.

هستند. خداوند این کار را برای آنان به دست مردی از ما انجام می دهد که مهدی این امت است.»

آیات فوق، هرگز درباره یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیتهاست و نیز بشارتی برای همه انسانهای آزاده و خواهان عدل و داد می باشد.

نمونه ای از تحقق این مشیت الهی (عزت مستضعفان)، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه کامل ترش، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یاران ایشان بعد از ظهور اسلام بود؛ حکومت پابرهنه ها و تهی دستان با ایمان و مظلومان پاکدلی که پیوسته از سوی پادشاهان زمان خود مورد تحقیر و استهزا قرار داشتند.

و مصداق گسترده تر آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله حضرت مهدی علیه السلام است که در این صورت، مستضعفان عالم به آرزوی دیرینه خود؛ یعنی عزت و حاکمیت، می رسند.^۱

۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «إِذْ بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَطْيَبِ عِثْرَتِي وَأَبْرَارِ ذُرِّيَّتِي، عَدْلًا مُبَارَكًا ذَكِيًّا، لَا يَغَادِرُ مِشْقَالَ ذَرَّةٍ، يُعِزُّ اللَّهَ بِهِ الدِّينَ وَالْقُرْآنَ وَالْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَيُنْزِلُ بِهِ الشَّرْكَ وَأَهْلَهُ...»^۱

هنگامی که خداوند مردی را از پاک‌ترین فرزندان و خوب‌ترین عترت من برمی‌انگیزد، که سراپا عدل و برکت و پاکی است؛ از کوچک‌ترین حقی چشم پوشی نمی‌کند؛ خداوند به وسیله او دین و قرآن و اسلام و اهل آن را عزیز می‌کند و شرک و اهل شرک را خوار و زبون می‌سازد.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ بَعْدَ ذَلِكَ، وَيُخَيِّبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ... يَرْفَعُ الْمَدَاهِبَ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ»^۲

خداوند به وسیله او (مهدی علیه السلام) اسلام را پس از ذلت به عزت می‌رساند و پس از مردنش زنده می‌سازد... مذاهب دیگر را از روی زمین برمی‌چیند، پس در روی زمین چیزی جز دین خالص باقی نمی‌ماند.

عوامل عزت آفرین در عصر ظهور
در دوران ظهور و حاکمیت عدل

گستر جهان، اسباب و عللی که منشأ عزت و اقتدار هستند، در میان آحاد مردم و جامعه اسلامی احیا می‌شود و در پرتو آنها، عزتمندی و کرامت‌طلبی، فرهنگ رایج و شایع همه انسانها در جوامع مختلف خواهد شد.

اینک در ادامه سخن، برخی از عوامل عزت را بررسی کرده، تحقق آن علل در دوران ظهور را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. اطاعت الهی

رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ: أَنَا رَبُّكُمْ الْعَزِيزُ، فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطِيعِ الْعَزِيزَ»^۳

خدای تعالی هر روز می‌فرماید: من پروردگار عزیز شما هستم، پس هر که خواهان عزت در دو جهان است، باید که از [خدای] عزیز اطاعت کند.

و علی علیه السلام فرمود: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ»^۴

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۹۷؛ الامام المهدي، ص ۳۴۳ و الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸.

۳. كنز العمال، ص ۴۳۱۰۱ و میزان الحکمه (ترجمه فارسی)، ج ۸، ص ۳۷۳۸.

۴. میزان الحکمه (ترجمه فارسی)، ج ۸، ص ۳۷۳۸.

چنین فرمود: «وَاللّٰهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا يَسْغُدُ
وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ فَإِذَا خَرَجَ
الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَاقْتِرِ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ؛^۴

به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه
تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق
می پذیرد که «قائم» قیام کند و به
هنگامی که او قیام کند، کسی که منکر
خدا باشد باقی نمی ماند.»

بر اساس روایات فوق، با از بین
رفتن کفر و بی ایمانی، زمینه اطاعت و
پیروی از دستورات الهی فراهم شده و
آحاد مردم همگی موحد و خداپرست
می شوند و در پرتو ایمان و اعتقاد به
خداست که عزت و شرافت بر جامعه
سایه می افکند؛ چنان که در زمان ظهور
چنین خواهد شد.

۲. تقوای الهی

رسول اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَرَادَ أَنْ
يَكُونَ أَحَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛^۵

هر گاه جویای عزت شدی، آن را
به وسیله اطاعت [از خدا] بجوی.»

امام باقر علیه السلام درباره عصر ظهور
فرمود: «وَلَا يَبْقَىٰ أَرْضٌ إِلَّا تُؤَدِّي فِيهَا شَهَادَةً
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ؛^۱

هیچ نقطه ای از زمین نمی ماند جز
اینکه در آن ندا داده می شود: «أشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمداً
رسول الله.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «لَمْ يَبْقَ
فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ
أَوْ وَكْنٍ أَوْ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ، فَأُخْرِقَتْهُ؛^۲

در روی زمین غیر از خدای عزیز
و جلیل هیچ معبودی، از بت و غیر آن،
نمی ماند، جز اینکه آتشی بر آن افتاده،
آن را می سوزاند.»

قرآن کریم می فرماید: «هُوَ الَّذِي
أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛^۳

«او کسی است که رسولش را به
همراه هدایت و آیین حق فرستاد تا او
را بر همه آیینها غالب گرداند، هر چند
مشرکان کراهت داشته باشند.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق

ص ۳۷۳۸ و غررالحکم، ص ۴۰۵۶.

۱. الامام المهدي، ص ۳۴ و ۲۶۵.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۴۳؛ نور الابصار، ص ۱۷۲ و

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۳. توبه / ۳۳.

۴. نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱.

۵. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۸۵.

**عزت، کرامت، شرافت و
متانت، گل‌واژه‌هایی
هستند که به انسان روحیه
صلابت، مقاومت و
شکست‌ناپذیری
می‌بخشند و انسان را در
مسیر اعتلا و تعالی روح
مدد می‌رسانند**

هر که می‌خواهد عزیزترین مردم باشد، باید از خداوند پروا داشته باشد.» امیرمؤمنان، علی علیه السلام در مورد ارزش تقوا می‌فرماید: «لَا عِزَّ أَعْرُ مِینَ التَّقْوَى؛^۱ هیچ عزتی بالاتر از تقوا نیست.»

بر اساس این روایات، یکی از عوامل عزت، تقوای الهی است. امام باقر علیه السلام در خصوص رواج تقوا به هنگام ظهور آن حضرت می‌فرماید که مهدی علیه السلام به وقت شامگاه، در حالی که پرچم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در دست، و

لباس او را بر تن، و سلاح ویژه او، نور افشانی و بیان گرم و دیگر ویژگیها و نشانه‌های آن حضرت را به همراه دارد، در مکه ظهور می‌کند؛ نماز عشا را به جماعت می‌خواند و آنگاه با صدایی رسا و دلنواز، جهانیان را [به دوری از شرک و اطاعت از خدا و رسولش و تقوای الهی] دعوت می‌کند.

همچنین امام باقر علیه السلام در ادامه کلمات گهربار خویش فرمودند:

«يَأْتِيكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَأَنْ تُحَافِظُوا عَلَى طَاعَتِهِ وَطَاعَةِ رَسُولِهِ، وَأَنْ تُحْيُوا مَا أَخَى الْقُرْآنَ وَتَمِيتُوا مَا أَمَاتَ وَتَكُونُوا أَغْوَاناً عَلَى الْهَدْيِ وَوُزَّاءَ عَلَى التَّقْوَى؛^۲

[حضرت مهدی علیه السلام] شما را فرمان می‌دهد که چیزی را شریک او (خدا) نسازید و بسر اطاعت او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشا باشید؛ آنچه را قرآن زنده ساخته است، زنده سازید و آنچه را که قرآن در پی نابودی آن است، از میان بردارید؛ در راه هدایت، مددکار باشید، و در راه تقوا و

۱. نهج البلاغه، خ ۱۹۵ و ۳۷۱.

۲. عقدا لدرر، ص ۱۴۵، باب ۷ و معجم

الاحادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۹۵.

پرهیزکاری، کمک کار.»

بدیهی است که با اجرای فرمان آن امام همام و رعایت تقوای الهی از سوی مردم، عزت و سربلندی به جامعه اسلامی برمی گردد و مکتب مهدوی، پیام آور شکوه و عزت حقیقی اسلام و مسلمانان می شود.

۳. اجتناب از معاصی

امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِمَا مَالٍ وَالْعِزَّ بِمَا عَشِيرَةٌ، وَالطَّاعَةَ بِمَا سُلْطَانٍ، فَلْيُخْرِجْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ، فَإِنَّهُ وَاجِدٌ ذَلِكَ كُلَّهُ؛^۱

هر کس می خواهد بدون برخورداری از مال و ثروت، بی نیاز باشد و بدون داشتن فامیل و تبار، عزتمند و بدون بهره مندی از قدرت، فرمانش برده شود، پس باید از خواری معصیت خدا به عزت طاعت او روی آورد. در این صورت، همه آنها را می یابد.»

و در بیانی دیگر می فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنِهَا بِالْمَعْصِيَةِ؛^۲

کسی که به کرامت [و عزت] نفس خود عقیده دارد، با گناه خوارش نخواهد ساخت.»

بر اساس این گونه روایات، یکی دیگر از عوامل عزت، پرهیز از گناه است که در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت و در نتیجه، عزت و بالندگی معنوی در جامعه آن روز حاکم خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يُفْرَجُ اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ، يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادَةِ عِبَادَةً وَيَسْعَهُمْ عَدْلَهُ، بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَيُذْهِبُ الزَّمَانَ الْكَلْبِ، وَيَخْرِجُ ذُلَّ الرَّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ؛^۳

خداوند به وسیله مهدی علیه السلام از امت رفع گرفتاری می کند و دلهای بندگان را سرشار از عبادت می کند و عدالتش همه را فرامی گیرد. خداوند به سبب او دروغ را نابود می سازد و روح ستیزه جویی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن آنها برمی دارد.»

امام صادق علیه السلام فضای آن روز را که روز جلوه احکام متعالی اسلام است، چنین ترسیم نموده:

۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۵۱.

۲. غررالحکم، ص ۶۷۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵، الملاحم و الفتن،

ص ۵۶ و الغیبه، شیخ طوس، ص ۱۱۴.

«وَيَذْهَبُ الزُّنَا وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَيَذْهَبُ
الزُّبَا، وَتُقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ، وَتُؤَدَّى
الْأَمَانَاتُ، وَتُهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَتَبْقَى الْأَخْيَارُ»^۱
روابط نامشروع، خوردن شراب
و رباخواری از بین می‌رود و مردم به
عبادات روی می‌آورند. امانتها ادا
می‌شود، اشرار نابود می‌شوند و افراد
نیکوکار باقی می‌مانند.»

همچنین امام صادق علیه السلام در
این باره فرمودند: «وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
فِي أَرْضِهِ، وَيُقَامُ حُدُودُهُ فِي أَطْرَافِهِ وَيُرَدُّ الْحَقُّ
إِلَى أَهْلِهِ»^۲
در روی زمین خدا را معصیت
نمی‌کنند، و حدود الهی در سرتاسر
گیتی اجرا می‌شود و حق به صاحب
حق برمی‌گردد.»

انسان وقتی به جایگاه خود در
عالم هستی پی ببرد و عظمت خدا را که
هستی بخش همه موجودات است،
بشناسد، بی‌تردید شأن و مقام والای
خویش را فدای شهرت و گناه
نمی‌سازد و در برابر عظمت الهی
نافرمانی و معصیت نمی‌کند و در
نتیجه، چنین افرادی که از معاصی و
گناه دوری می‌کنند، بهره‌مند از روحی

متعالی و عزتی ماندگار خواهند شد.

۴. بی‌نیازی از مردم

یکی از عوامل عزتمندی،
بی‌نیازی از مردم است که در کلام
نورانی امام باقر علیه السلام تبلور یافته است:
«الْيَأْسُ مِمَّا فِي آيِدِي النَّاسِ، عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي
دِينِهِ»^۳

چشم نداشتن به دست مردم،
موجب عزت دینی مؤمن است.»

لقمان حکیم در نصیحت به
فرزندش عزت در دنیا و آخرت را این
گونه تبیین می‌نماید: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَجْمَعَ
عِزَّ الدُّنْيَا فَاقْطَعْ طَمَعَكَ مِمَّا فِي آيِدِي النَّاسِ،
فَأِنَّمَا يَلْبَغُ الْأَنْبِيَاءُ وَالصَّادِقُونَ مَا بَلَّغُوا بِقَطْعِ
طَمَعِهِمْ»^۴

اگر می‌خواهی عزت دنیا را به
دست آوری، طمع خویش را از آنچه
در دست مردم است، قطع کن؛ زیرا
پیامبران و صدیقان به سبب برکندن

۱. الملاحم و الفتن، ص ۵۴ و منتخب الاثر،
ص ۴۷۴.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار،
ج ۵۲، ص ۱۲۷ و منتخب الاثر، ص ۴۹۶.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۴. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۳ و قصص الانبياء،
ص ۲۴۴.

می یابند که به مثل آن در هیچ زمانی دست نیافته باشند.»

امام صادق علیه السلام در مورد گسترش نعمات مادی و بی نیازی مردم می فرماید: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ، فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ وَاسْتَفْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۱

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگار خویش بدرخشد... و شخصی از شما به جستجوی فردی برمی آید که از مال خود به او بدهد و آن شخص زکات او را بگیرد، اما هیچ کس را نمی یابد که از او قبول کند؛ چون مردمان به دلیل اینکه خداوند با فضل خویش آنها را روزی داده است، بی نیاز شده اند.»

۶. رعایت انصاف

رعایت انصاف میان مردمان، از دیگر عوامل عزت نفس می باشد. امام علی علیه السلام در مورد خصیصه

طمع خود، به آن مقامات رسیدند.»

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا يَزَالُ الْعِزُّ قَلْبًا حَتَّى يَأْتِيَ دَارًا قَدِ اسْتَشْعَرَ أَهْلَهَا الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ قَبُولَتِهَا»^۱

عزت پیوسته بی قراری می کند تا به خانه ای در آید که اهلس چشم طمع به دست مردم نداشته باشند، پس در آنجا مستقر می شود.»

در پرتو حاکمیت نظام مقدس مهدوی، استغنا و بی نیازی از مردم فراگیر خواهد شد و در سایه همین بی نیازی است که مردمان آن زمان دارای روحیه عزت و مناعت طبع خواهند شد.

۵. فراوانی نعمت

از جمله اموری که با عزت جامعه اسلامی در عرصه دنیا مرتبط است و در زمان ظهور جلوه ای آشکار خواهد داشت، فراوانی نعمتهای مادی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ»^۲

مهدی در امت من است... و امت من در زمان او به نعمتهایی دست

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

**خداوند به وسیله
مهدی علیه السلام از امت رفع
گرفتاری می‌کند و دل‌های
بندگان را سرشار از عبادت
می‌کند و عدالتش همه را
فرا می‌گیرد.**

جهانی مهدوی که امید هر انسان
عزتمند و کرامت خواه است، به پایان
می‌بریم:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي ذَوَلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْرِزُ
بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ
وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ»^۳

خداوندا! ما از تو دولت ارزشمندی را
خواه‌انیم که با آن، اسلام و اهلش را
عزت بخشی و نفاق و اهلش را خوار
گردانی و ما را در آن دولت، از دعوت
کنندگان به فرمانبرداری از خود قرار دهی.»

انصاف فرمود: «أَلَا إِنَّهُ مَنْ يَنْصِفُ النَّاسَ مِنْ
نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا»^۱

بدانید که هر کس با مردم به
انصاف رفتار کند، خداوند جز بر عزت
او نیفزاید.»

در دوران سبز زندگی؛ یعنی در
دوران ظهور ولی عصر علیه السلام که بشر
حیات بهاری خود را تجربه خواهد
نمود، آن حضرت شرایط را به گونه‌ای
فراهم خواهد کرد که مردم اهل انصاف
و رعایت حال همدیگر باشند.

امیر مؤمنان علیه السلام در مورد امام
زمان علیه السلام می‌فرماید: «وَأَلْسَى الرَّأْفَةَ
وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسُونَ... وَلَا يَعْلَمُونَ بَغْضَهُمْ
بَغْضًا وَيَزْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرَ وَيَوْفَرُ الصَّغِيرُ
الْكَبِيرَ»^۲

در میان مردم، مهربانی و همدلی
برقرار می‌کند، پس مردمان در پرتو آن،
همدیگر را همیاری می‌کنند... و بر
یکدیگر برتری طلبی ندارند؛ بزرگ‌تر
به کوچک‌تر رحم می‌کند و کوچک‌تر
به بزرگ‌تر احترام می‌گذارد.»

فرجام سخن را با دعا به درگاه
الهی و آرزوی رسیدن به عزت و
کرامت راستین در پرتو حکومت

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

۳. کتاب اقبال، دعای بعد از نماز عید فطر،
ص ۲۹۳.